



استاد اخلاق آیت الله سید رحیم توکل



فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۶	حجاب تعلق
۱۶	تعلق به بدن
۱۷	آن سوی حجاب‌ها
۱۸	شعور حیوانات
۱۸	شبی در قبرستان
۲۰	تعلق به دنیا
۲۴	گناه و عقاب پنهان
۲۴	زهد و بی‌اعتقادی به دنیا
۲۵	رهایی از حجاب تعلق
۲۶	هدایت به دست اهل بیت
۲۷	امام حسین علیه السلام کشتی نجات
۲۹	بزرگواری امام حسین علیه السلام
۲۹	اسلام آوردن راهب مسیحی
۳۰	دستگیری از علامه طباطبایی
۳۱	حجاب گناه
۳۱	هدایت‌ناپذیری باطن ظلمانی
۳۱	حکایت لجاجت قوم ثمود
۳۲	باطن ظلمانی کوفیان
۳۲	جهنمیان و آرزوی بازگشت به دنیا
۳۲	باز هم با حق همراه نمی‌شوید!

۳۶	لقمه حرام.....
۳۸	گناه کبیره زنا.....
۴۱	گناه کبیره لواط.....
۴۲	نور و ظلمت.....
۴۳	ملاکاظم و نور قرآن.....
۴۵	بوی بد گناه.....
۴۷	غفلت.....
۴۷	بیداری.....
۵۰	اراده.....
۵۰	عمل صالح، راه رسیدن به دیدار خداوند.....
۵۲	معرفت ائمه، باطن عمل صالح.....
۵۲	ایجاد عزم در خود، گام اول در توحید عبادت.....
۵۴	یک شبه سلمان شدن!.....
۵۵	از انجام واجبات و ترک محرمات تا ترک اولی.....
۵۶	تذکر.....
۵۶	گام دوم تذکر (یاد خدا).....
۵۷	در محضر خدا.....
۵۸	صفای باطن.....
۶۰	در محضر خدا و آسانی مصیبت.....
۶۱	یاد خدا و تقوای الهی.....
۶۴	علم حضوری و احاطه‌ای خداوند.....
۶۵	علم حضوری خداوند.....
۶۶	علم احاطه‌ای خداوند.....
۶۷	تفکر.....
۶۷	تفکر، گام سوم در توحید عبادت.....
۶۸	موضوع فکر.....
۸۷	توبه.....
۸۷	توبه؛ قدمی برای جلو رفتن.....
۸۷	توبه راهزن.....
۸۸	نماز باران و توبه مرد گنهکار.....
۹۰	مرباطه.....
۹۰	مرباطه، راهی مطمئن برای رسیدن به صفای باطن.....
۹۴	جهاد با نفس.....
۹۴	رابطه روح با جسم.....
۹۷	مالکیت بر هوای نفس.....

۹۸	بنی اسرائیل و هوای نفس
۹۸	مقام سلمان
۹۹	شکایت از هوای نفس
۱۰۱	قانون عمل به ضد
۱۰۲	مخالفت با نفس
۱۰۳	فرو خوردن خشم آیت الله کاشف الغطا
۱۰۴	تخلیه باطن
۱۰۸	تمرین برای هدایت فکر و تخلیه باطن
۱۱۰	عبودیت
۱۱۰	معبودهای سه گانه
۱۱۱	شرک
۱۱۱	مراتب توحید
۱۱۱	پیمان خدا
۱۱۲	اظهار ناتوانی
۱۱۵	اطاعت محض
۱۱۶	قیاس، ممنوع
۱۱۷	کفر شیطان
۱۱۸	حقیقت عبودیت
۱۲۰	بالا ترین عبادات
۱۲۲	خوف و رجا
۱۲۲	برابری خوف و رجا در دل مؤمن
۱۲۳	پایین ترین حد خوف و رجا
۱۲۵	رابطه خوف و رجا با تلاش و عمل انسان
۱۲۷	حسن ظن به خداوند
۱۲۹	رحمت و مهربانی خدا و امید به آن
۱۳۱	محبت خدا به خلقش
۱۳۲	خوف از مکر شیطان، هوای نفس و گناه
۱۳۴	خوف از خدا
۱۳۵	خوف و رجا در مقامات بالا
۱۳۷	برکات عبودیت
۱۳۷	۱. لذت عبادت
۱۳۹	۲. وصال و قرب الهی
۱۴۴	۳. کسب اراده تکوینی
۱۴۸	۴. ربوبیت کنه عبودیت
۱۵۳	معرفت

۱۵۳	معرفت خداوند
۱۵۶	معرفت به خدا از طریق اهل بیت علیهم السلام
۱۵۷	رابطه معرفت و عبادت
۱۶۰	معرفت به رحمانیت و رحیمیت خداوند
۱۶۲	معرفت، ایجادکننده خوف از خداوند
۱۶۳	اخلاص
۱۶۳	نیت؛ روح عمل
۱۶۶	حقیقت نیت
۱۶۸	نقش نیت در ارزش اعمال
۱۷۲	تشویق خداوند به اصلاح نیت‌ها
۱۸۳	اخلاص در عمل
۱۸۵	من اخلاص الله
۱۸۹	نشانه‌های کار برای خدا
۱۸۹	نمونه‌هایی از اخلاص
۲۰۳	توکل به خدا
۲۰۷	مراتب توکل
۲۰۸	تسلیم و رضا
۲۱۰	تسلیم بر بلا، قبول حکمت الهی
۲۱۲	پاداش رضایت
۲۱۴	محبت
۲۱۴	محبت و عبادت
۲۱۵	پیش به سوی محبت
۲۱۷	محبت حقیقی
۲۱۸	دعای مجلسی اول در حق فرزندان
۲۲۰	فطرت انسان، خداخواه است
۲۲۱	حضرت سلیمان علیه السلام و گنجشک
۲۲۲	ابراز محبت
۲۲۲	در جستجوی امام زمان
۲۲۲	ما شما را دوست داریم
۲۲۳	عابد و حضرت ابراهیم علیه السلام
۲۲۴	مقام حضرت زهرا علیها السلام و محبت به او
۲۲۵	توسل و شفای بیمار
۲۲۶	حب و بغض

پیش‌گفتار

آنچه در مقابل شما خوانندگان عزیز قرار گرفته، سخنان استاد اخلاق، حضرت آیه‌الله حاج سید رحیم توکل در فاطمیه قم^۱ است. گزیده سخنان ایشان در ۶۱ جلسه، پس از ویرایش، تقدیم عموم مردم، به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان و طلاب، می‌گردد. محور بحث این جلسات، «مسیر رسیدن به حقیقت بندگی» است. استاد، مباحث اصلی و مهم اخلاق اسلامی را با حکایت‌های شیرین قرآنی، روایی و تاریخی به تشنگان معارف اسلامی ارائه می‌دهد.

چند دهه تدریس مطالب اعتقادی، اخلاقی و عرفانی در حوزه علمیه، دانشگاه، رادیو معارف، مسجدها و حسینیه‌های شهرها و خارج از کشور و نشست و برخاست با جوانان و دانشجویان، موجب گردیده که استاد توکل با اشراف و تسلط کافی بر مباحث دینی از یک طرف و شناخت مخاطبان و مسائل مورد نیاز جامعه از سوی دیگر، بتواند مباحث را دسته‌بندی شده، مستدل و فشرده، در جان مخاطبان بنشانند. در این جا بر خود لازم می‌دانیم از استاد توکل تشکر کنیم و از خداوند برای ایشان و همه عالمان شیعی که مخلصانه در راه ترویج احکام و عقاید مذهب تشیع تلاش می‌کنند، توفیق بیشتر را خواستاریم.

۱. فاطمیه، بعد از میدان پلیس قم، خیابان شهید دل‌آذر، کوچه ۱۴، جنب قالیشویی مدرن، واقع شده است. سال‌هاست استاد توکل علاوه بر ماه محرم، چهارشنبه‌ها در فاطمیه به بیان مباحث اخلاقی می‌پردازد. برای آشنایی با فعالیت‌های فاطمیه، با شماره تلفن ۰۹۱۲۲۵۷۳۹۳۵ تماس بگیرید.

همچنین از همه عزیزانی که تلاش آنان به ارائه این کتاب منجر شد، به ویژه حاج آقا ابوالفضل رهبری، مدیر و مؤسس فعال و مخلص فاطمیه، قدردانی می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم این اقدام را به فضل و کرم خود بپذیرد و ذخیره آخرت آنان قرار دهد.

مدیر انتشارات بهار دل‌ها

مقدمه

حضرت علی علیه السلام فرمود:

قلبی که به خدا علاقه داشته باشد، دوست دارد برای خدا مشقات را تحمل کند. دلی که با ذکر خدا کار ندارد و مشغول لهو و لعب است و آنسی با خدا ندارد، دنبال راحتی است، دنبال آسایش است.

انسان‌ها دو بُعد دارند: ملکوتی و مُلکی. بُعد ملکوتی، عقل و جنبه روحانی و معنوی ماست. بُعد مُلکی، غرائز و شهوات ماست. این دو بُعد، تمایلات و تکاملشان در مقابل هم است. اگر عملی برای یکی لذت داشته باشد، برای دیگری درد دارد و بالعکس. اگر بناست انسان به لذت‌های روحانی دست پیدا کند، باید درد و سختی را تحمل کند. یکی از لذت‌های معنوی، پله‌های صعود الی الله، بیداری در دل شب، نماز شب و مناجات با خدا است. اگر بخواهید به این لذت دست پیدا کنید، باید از خواب خوش بیدار شوید و رختخواب گرم و نرم را کنار بگذارید، وضو بگیرید و به نماز بایستید. بدن، خواب را می‌طلبد؛ ولی اگر بناست به آن لذت معنوی دست پیدا کنی، باید سختی را تحمل کنی.

در اوایل کار، بدن یا همان جنبه مُلکی و ناسوتی در برابر خواست تو مقاومت می‌کند و می‌گوید: حالا بخواب، امشب نماز نخوان، شب‌های بعد می‌خوانی. مگر شیطان هم در این جا ظریف است. مثلاً شمانیم ساعت قبل از اذان صبح از خواب بلند

شدی، می‌گوید: حالا پنج دقیقه بخواب، بعداً بلند شو. حالا دراز بکش. بعداً بلند شو! دراز کشیدن همان و دو ساعت خوابیدن همان! اگر در برابر این تمایلات مقاومت کردی و تسلیم نشدی، نفس می‌بیند که مخالفت مؤثر نیست، دیگر مخالفت نمی‌کند. اگر این مقاومت ادامه پیدا کرد، نفس دست از مخالفت می‌کشد و از تو تبعیت می‌کند. اگر انسان از این مرحله گذشت، نفس علاوه بر تبعیت، لذت هم می‌برد. انسان پله پله بالا می‌آید و به جایی می‌رسد که بدن هم مثل روح لذت می‌برد؛ بعد ملکی هم مثل بُعد ملکوتی لذت می‌برد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبلیغ دین اسلام از مردم ناسزا می‌شنید. به آن حضرت می‌گفتند: تو ساحری، مجنونی. بارها به آن حضرت توهین کردند. پیغمبر از تبلیغ برمی‌گشت، می‌فرمود:

«أَرِحْنَا بِلَالًا!؟؛ بلال راحت‌کن!» بلال اذان می‌گفت و پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می‌ایستاد. پیغمبر خستگی را در نماز از تنش بیرون می‌کرد. آن قدر بدن مبارک پیغمبر از نماز لذت می‌برد که سختی تبلیغ، در نماز از بدن پیغمبر بیرون می‌رفت. چطور ما خستگی سفر را با کمی خواب از خود دور می‌کنیم، پیغمبر همین کار را در نماز انجام می‌داد. قرآن درباره اهل ایمان می‌گوید:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^۳

بدن‌هایشان را از رختخواب بیرون می‌آورند و رختخواب را ترک می‌کنند. در دل شب، خدا را می‌خوانند؛ گاهی با خوف از جهنم، گاهی به طمع بهشت، و از آنچه که به آنان ارزانی کردیم، انفاق می‌کنند.

بلند شدن از خواب برای نماز شب، لذت دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دلت را جایگاه محبت خدا قرار بده»؛ آن محبتی که اگر جرعه‌ای از آن به دل انسان راه پیدا کرد، انسان حاضر نیست تمام لذات دنیا را به یک لحظه آن جرعه عوض کند! اگر این مقام برایت سنگین است و آن را درک نمی‌کنی، لا اقل خود را از کرامت‌های خداوند محروم نکن. به عنوان مثال، اگر نتوانستی از مقربان الهی شوی، لا اقل از اصحاب

یمن باش؛ در صف اصحاب شمال نباش که کارت خیلی خطرناک می شود. در روایت آمده است: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و عمار یا مقداد، هر کاری سخت تر بود آن را انتخاب می کردند. این کار، کوباندن بعد ملکی و مهار کردن اوست تا بعد ملکوتی بتواند خودش را بالا بکشد. از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آقا جان! جانم فدای شما! دلم می خواهد بدانم که من نزد شما چگونه ام؛ نزد شما چه مقامی دارم: اَشْتَهِي أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ أَمَّا عِنْدَكَ؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: «أَنْظُرْ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ^۱ ببین من نزد تو چگونه ام!» یعنی چه؟ یعنی ببین من در دید تو چقدر محترمم، به همان حدّ تو در دید من محترم می. کنار مزار «میثم تمار» تابلویی نصب است که بر روی آن سؤال حضرت علی علیه السلام از میثم تمار نوشته شده است. حضرت علی علیه السلام از میثم پرسید: میثم، اگر تو را بگیرند و از تو بخواهند که نسبت به من ابراز بیزاری کنی، تو چه کار می کنی؟ میثم گفت: هر بلایی بر سرم بیاورند، باز هم از تو ابراز برائت نخواهم کرد! حضرت علی علیه السلام فرمود: من در دید شیعیانم آن طور هستم که اگر بینی آنان را بکوبند و خُرد کنند، در دلشان نسبت به من ابراز برائت نمی کنند! میثم را زدند، دست و پایش را قطع کردند. بالای دار بردند. زبانش را بریدند، تا جان در بدن داشت از علی علیه السلام دفاع کرد!^۲ وقتی حضرت علی علیه السلام در دید میثم این طور است که میثم حاضر است همه چیزش را برای علی علیه السلام بدهد. عکس آن نیز صادق است و میثم نیز در دید حضرت علی علیه السلام مقام بسیار بالایی دارد. وقتی خواستند میثم را به شهادت برسانند، گفت: «ای مردم! چهار سال نوکری علی علیه السلام را کردم. علی علیه السلام در این چهار سال، علم گذشته، علم حال و علم آینده را به من یاد داد.»

حضرت علی علیه السلام فرمود:

مَنْ ارَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنْزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ، فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنْزِلَةُ اللَّهِ مِنْهُ عِنْدَ الذُّنُوبِ
كَذَاكَ مَنْزِلَتُهُ^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۴.

۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۹۴؛ خصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

هر کسی از شما بخواهد بداند که در دید خدا چقدر اعتبار دارد، چقدر منزلت دارد، خدا چقدر خاطرش را می‌خواهد، نگاه کند که اگر شرایط انجام گناهی به‌وجود آمد، به احترام خدا تا کجا حاضر است که بر گناه صبر کند.

نیز فرمود:

به همان مقدار که حاضری برای رضای خدا، گناه را ترک کنی و به احترام خدا از جلوه‌های دنیا بگذری، به همان مقدار هم تو در دید خدا محترمی و آبرو داری.

نیز فرمود:

فَإِنْ كُلُّ مَنْ خُيِّرَ لَهُ أَمْرُ الدُّنْيَا وَ أَمْرُ الْآخِرَةِ فَأَخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهَ وَ مَنْ اخْتَارَ أَمْرَ الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي لَا مَنْزِلَةَ لَهُ عِنْدَهُ^۱

اگر برای فردی دو کار پیش بیاید: کار دنیا و کار آخرت، اگر کار آخرت را بر دنیا مقدم داشت، این همان فردی است که خدا را دوست دارد؛ بالطبع خدا هم او را دوست دارد. اگر فردی بین این دو کار، کار دنیا را پذیرفت، بداند که خدا در دیدش اعتباری ندارد؛ پس او نیز در دید خدا اعتباری نخواهد داشت.

در روایت آمده است:

الْقَلْبُ حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ^۲

قلب شما، حرم الهی است؛ در این حرم، غیر از خدا را داخل نکن.

اگر ما در خانه دلمان اغیار را داخل کردیم؛ یا با ریا، شرک و کفر، به دستور خدا عمل نکردیم و به امانت الهی خائن شدیم، بالطبع جزای خائنانه هم شامل حال ما می‌شود. اگر به «فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ» عمل کردیم و فقط صاحبخانه به این دل راه پیدا کرد، آن وقت است که ما «امین» می‌شویم و با ما مانند اهل امانت معامله می‌کنند.

غذای روح

غذای روح چیست که اگر غذای خوبی باشد، باعث تقویت روح می‌شود و اگر غذای بد باشد، ضعف در دل ایجاد می‌کند؟ از بررسی آیات و روایات می‌فهمیم که غذای روح دو چیز است:

۱. اعتقادات: آنچه که انسان به عنوان اعتقادات به آن باور دارد، غذای روح است. اگر اعتقادات درست بود، نورانیت در دل ایجاد می‌کند. اگر غذای روح فاسد بود، ظلمت در دل ایجاد می‌کند. افراد گناهکار و افرادی که در وادی دین نرفته‌اند، از نظر روحی بسیار ضعیف هستند. افراد اهل معرفت از نظر روحی بسیار قوی‌اند که اگر اینها با خودشان کار کنند، به صراحت روایات، در این عالم تغییر ایجاد می‌کنند و با یک اراده، عالم را دگرگون می‌کنند.

۲. اعمال: اعمال را دست، چشم، زبان، گوش و پا انجام می‌دهند؛ اما در ورای این اعضا، روح قرار دارد. متکلم، روح است و زبان، وسیله تکلم است؛ بیننده، روح است و چشم، وسیله دیدن است؛ شنونده، روح است و گوش، وسیله شنیدن است. اعضا کارها را انجام می‌دهند اما انجام دهنده واقعی کار، روح است. بنابراین، اگر اعمال مثبتی از اعضا ظاهر شود، روح نورانیت می‌گیرد و اگر اعمال منفی از اعضا ظاهر شود، روح ظلمت می‌گیرد؛ زبان، غیبت می‌کند، روح ظلمانی می‌شود؛ زبان، قرآن قرائت می‌کند، روح نورانی می‌شود.

عرفان یا خداشناسی در میان علوم الهی
از جایگاه والایی برخوردار است. این
حقایق تنها در ظرفی جامی گیرند که
از آلودگی های نفسانی به دور باشد. از
این رو تزکیه نفس و ریاضت های
شرعی عاملی انکار ناپذیر است که
ظرفیت آدمی را وسعت بخشیده و زلال
می نماید و سرآغازی است که راه را
برای درک هرچه بیشتر این حقایق
هموار می سازد.

اثر حاضر گزیده ی سخنان استاد اخلاق
حضرت آیت الله حاج سید رحیم توکل
پیرامون مسیر رسیدن به حقیقت بندگی
است که مباحث مهم عرفان اسلامی را با
حکایات شیرین قرآنی، روایی و تاریخی
به تشنگان معارف اسلامی ارائه می دهد
و پاسخگوی مسائل اخلاقی مورد نیاز
جامعه امروز است.

